

متن پرسش

سلام و عرض ادب خدمت استاد عزیز و تبریک عید سعید غدیر: بنده در آستانه ی ازدواج قرار دارم و تا اینجا از نظر اعتقادی، اخلاقی، فکری سنخیت ها وجود داشته است. نگرانی دارم که می دانم ناشی از ضعیف بودن ایمان و توکل است ولی از اینکه در نقطه ی تصمیم گیری برای قدم گذاشتن در این راه قرار دارم، سخت نگرانم و تصمیم گیری برایم سخت است؛ به عبارتی نمی دانم خودم را متوجه چه چیزی کنم تا دلم در اطمینانی قرار گیرد و بتوانم با آن اطمینان وارد این برهه از زندگی شوم. افق بالایی که فراتر از مرسومات و بعد شخصی می توان به ازدواج نگاه کرد چیست؟ افقی که با نظر کردن به آن بتوان از بن بست هایی که احیاناً در زندگی مشترک پیش می آید عبور کرد و متوقف نشد یا حتی اصلاً بن بستنی احساس نکرد؟ احساس می کنم پس از شهادت آقا، باید به قصه ی ازدواج و بنا کردن خانه و افق پیش رو نگاه عمیق تری داشت. ممنون می شوم در این رابطه سخنی بفرمایید که مرا از این سردرگمی خارج کند و نوری بر فکر و قلبم بتاباند.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: در کتاب «زن؛ آن گونه که باید باشد» در قسمت «ازدواج، تولدی دیگر» صفحه ۲۰۳ عرایضی شده است که خوب است به آن کتاب رجوع شود. و بالاخره باید متوجه باشیم که خداوند می فرماید: «و من آیاته أن خلق لکم من أنفسکم أزواجاً لتسکنوا إلیها و جعل بینکم مودة و رحمة» و یکی از آیات او این است که از جنس خود شما همسرانی برایتان خلق کرد، تا مایه سکونت و آرامش شما باشد و بین شما و همسرانتان مودت و رحمت برقرار نمود. «سوره روم آیه: ۲۱»، عنایت داشته باشید آیه ای که اشاره می فرماید، می فرماید خداوند بین زن و شوهر مودت و رحمت قرار می دهد و ما وظیفه داریم با رعایت حقوق همدیگر آن مودت و رحمت را حفظ کنیم و مواظب باشیم شیطان آن را از ما نگیرد. البته باید متوجه بود در زندگی مشترک «گذشت» بسیار کارساز و انسان ساز است. موفق باشید